

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

منتشر شده در رسانه روسی
نویسنده: سرگنی پولاتیف، تحلیلگر اطلاعات و روزنامه‌نگار، بنیانگذار و سردبیر پروژه واتفور.
برگردان: مجله جنوب جهانی
فرستنده: علی کاظمی
۱۹ اپریل ۲۰۲۵

وقت تمام است: حرکت بعدی روسیه علیه اوکراین می‌تواند تعیین‌کننده باشد.



با طولانی شدن سکون در خط مقدم، چه چیزی در انتظار کارزار بهار-تابستان است؟
در حالی که خطوط مقدم در اوکراین به یک بن‌بست موقت رسیده‌اند، توجهات به این معطوف شده است که کرملین چه برنامه‌ای برای آینده دارد. با عدم وجود تهاجمات بزرگ در حال حاضر، تمام نشانه‌ها حاکی از یک کارزار بهار-تابستان است که می‌تواند پویایی‌های سال گذشته را تکرار کند: پیشروی روسیه در چندین محور، و مقاومت اوکراین با منابع رو به کاهش. اما در زیر سطح این الگوی آشنا، تغییرات حیاتی در ستراتیژی، نیروی انسانی و فناوری میدان نبرد نشان می‌دهد که ماه‌های آینده ممکن است بسیار فراتر از تکرار سال ۲۰۲۴ را به همراه داشته باشد.

درباره اهداف

شایان ذکر است که برای هر دو ارتش روسیه و اوکراین، حفظ یا تصرف قلمرو هدف نهایی نیست. در یک جنگ فرسایشی، هدف اصلی تضعیف دشمن است – وارد کردن تلفات بیشتر از آنچه متحمل می‌شود. با این حال، اوکراین همیشه از این منطق پیروی نکرده است. در طول سه سال گذشته، موارد متعددی وجود داشته است که الزامات سیاسی

بر الزامات نظامی اولویت داشته‌اند. نیروهای مسلح اوکراین (AFU)، که تمایلی به عقب‌نشینی از برخی مواضع نداشتند، در نهایت متحمل شکست‌های محلی پرهزینه شدند. ما این را در باخموت و آودیوکا، در اوگلدان و ولیکیای نووسلکا، در پل‌های سرپلی کرینکی و کوراخوو، و اخیراً در سودژا دیدیم.

قابل پیش‌بینی بودن، این به نفع روسیه عمل کرده است. ارتش روسیه تکنیک محاصره یک شهر از چندین جناح، قرار دادن خطوط تدارکات زیر آتش کنترل شده، و به آرامی فرسایش دادن پادگان در طول هفته‌ها – یا حتی ماه‌ها – را تقویت کرده است. نیروهای مسلح اوکراین، به جای عقب‌نشینی در حالی که هنوز می‌توانند، معمولاً تا فروپاشی اوضاع سنگر می‌گیرند و سپس با آشفته‌گی عقب‌نشینی می‌کنند. رسانه‌های اوکراینی معمولاً این خسارت را کم‌اهمیت جلوه می‌دهند و ادعا می‌کنند که شهر هیچ ارزش استراتژیکی نداشته است – عبارتی که به یک میم تلخ در اوکراین تبدیل شده است.

در غیاب یک استراتژی بهتر، اوکراین این نوع رویکرد «حفظ به هر قیمت» را به عنوان یک موفقیت جلوه داده است. روایت این است که حتی اگر آن‌ها این موضع را از دست بدهند، در این فرآیند تلفات جدی به روس‌ها وارد کرده‌اند. اما این بیشتر مربوط به حفظ وجهه سیاسی است تا برنامه‌ریزی نظامی. واقعیت این است که پس از ضدحمله ناموفق آروف در پائیز ۲۰۲۳، اوکراین مجبور به دفاع استراتژیک شد – چیزی که در ابتداء به عنوان یک تغییر موقت ارائه شد. برنامه این بود که قدرت بازسازی شود، نیروهای روسیه تضعیف شوند و یک ضدحمله قاطع در سال ۲۰۲۵ آغاز شود.

اما حتی پرشورترین مفسران اوکراینی نیز از صحبت کردن درباره آن حمله فرضی دست کشیده‌اند. در این مرحله، دفاع بهار-تابستان پیش رو بیشتر شبیه یک اقدام تدافعی بدون نقطه پایانی استراتژیک به نظر می‌رسد. تلاش اوکراین در سال ۲۰۲۳ برای فرسایش نیروهای روسیه به وضوح ناکام ماند.

در مورد روسیه، این کشور هرگز به طور علنی متعهد به وارد کردن یک ضربه قاطع در سال ۲۰۲۴ نشد. بنابراین وقتی ناظران غربی ادعا می‌کنند که روسیه شکست خورده است زیرا پوکروفسک را تصرف نکرده است، آن‌ها انتظاراتی را فرافکنی می‌کنند که طرف روسی هرگز به طور صریح بیان نکرده بود.

مزایا و معایب: چه کسی برتری دارد؟

در ۲۸ مارچ، در جریان دیدار با تحت‌البحری نشینان در کورسک، رئیس‌جمهور ولادیمیر پوتین برای اولین بار به طور علنی اعلام کرد که هدف روسیه «فشار آوردن و درهم شکستن» اوکراین است – یعنی تأمین یک پیروزی نظامی قاطع. ما در مقاله آینده به پیامدهای سیاسی این اظهارات خواهیم پرداخت، اما در حال حاضر، آنچه مهم است این است: کرملین مطمئن است که شکست اوکراین مسأله زمان است.

آیا این می‌تواند در طول کارزار بهار-تابستان رخ دهد؟

دلایل به نفع اوکراین:

اول، باید اذعان کنیم که اوکراین موفق به حفظ خط مقدم شده است. علی‌رغم کمبود پرسنل (که در ادامه به آن خواهیم پرداخت)، نیروهای مسلح اوکراین از پیشروی‌های بزرگ روسیه جلوگیری کرده‌اند. روسیه معمولاً برای دستیابی به هرگونه دستاورد معنادار، نیاز به تمرکز نیروها با نسبت ۲ به ۱ یا حتی ۳ به ۱ دارد، و پیشرفت اغلب کند است.

یکی از دلایل اصلی، استفاده مؤثر اوکراین از پهپادها است. پهپادها در ترکیب با نظارت و شناسایی مداوم، مزیت قابل توجهی به طرف مدافع می‌دهند. این وضعیت یادآور جنگ سنگرها در جنگ جهانی اول است، جایی که مسلسل‌ها و توپخانه هرگونه پیشروی در منطقه بی‌طرف را فوق‌العاده پرهزینه می‌کرد. جنگ پهپادی اکنون بهترین دارائی اوکراین است.

دوم، کارزار روسیه ماهیت اعزامی دارد. اوکراین به طور کامل - نظامی، اقتصادی و سیاسی - بسیج شده است. در مقابل، روسیه با نیروهای داوطلب می‌جنگد. هیچ بسیج عمومی صورت نگرفته است و اقتصاد به طور کامل به وضعیت جنگی تغییر جهت نداده است. بله، هزینه‌های دفاعی به عنوان سهمی از تولید ناخالص داخلی دو برابر شده است، اما تأثیر مالی آن عمدتاً با درآمدهای بالاتر از صادرات نفت و روبل ضعیف‌تر جبران می‌شود. این رویکرد ثبات اقتصادی بلندمدت را حفظ می‌کند اما نیروی انسانی و منابع موجود برای خطوط مقدم را محدود می‌کند. ستراتیژی اوکراین این است که این محدودیت‌ها را فرسایش دهد و یک آتش‌بس مذاکره شده را تحمیل کند - آتش‌بسی که شامل از دست دادن قلمرو بیشتر یا امتیازات غیرقابل قبول سیاسی مانند انحلال ارتش یا برکناری رژیم نباشد.

دلایل علیه اوکراین:

هر کارزار نظامی، حتی یک کارزار دفاعی، نیازمند آمادگی است: برنامه‌ریزی، تدارکات، نیروی انسانی. برای اوکراین، این به معنای تأمین کمک‌های غربی و بسیج نیروهای بیشتر است. تا اواسط اپریل، هیچ یک از این دو محقق نشده است. ایالات متحده آنچه از کمک‌های دوران بایدن باقی مانده است را ارسال می‌کند و هیچ بسته کمک جدیدی در چشم‌انداز نیست. اروپا، در حالی که از نظر اصولی حامی است، به سادگی نمی‌تواند با سطح کمک‌های ایالات متحده برابری کند - و به نظر نمی‌رسد مشتاق تلاش برای این کار باشد. نیروی انسانی مسأله‌ای حتی فوری‌تر است. الکساندر سیرسکی، فرمانده کل نیروهای مسلح اوکراین، گفته است که اوکراین هر ماه به ۳۰ هزار نیروی جدید نیاز دارد تا سطح فعلی نیروها را حفظ کند. بخش قابل توجهی از تلفات ناشی از فرار از خدمت است - که بازتابی از سربازگیری اجباری، شرایط سخت میدان نبرد و کاهش روحیه است. تلاش‌ها برای کاهش سن سربازی در بهترین حالت ناشیانه بوده است. اوکراین سعی کرد جوانان ۱۸ ساله را با تبلیغاتی که حقوق قراردادی آن‌ها را با تعداد چیزبرگرهائی که می‌توانستند بخرند مقایسه می‌کرد، جذب کند - تلاش‌هایی که به مرز خودتمسخرآمیز بودن رسیده بود. جای تعجب نیست که این کارزار شکست خورد: به گفته پاول پالیس، معاون دفتر زلنسکی، تنها ۵۰۰ نفر در دو ماه ثبت نام کردند.

تمام نشانه‌ها حاکی از آن است که نه اوکراین و نه شرکای غربی آن واقعاً برای این کارزار آماده نیستند. به نظر می‌رسد برخی به وعده‌های میهم دونالد ترامپ برای پایان دادن سریع به جنگ دل بسته‌اند.

حتی اگر روسیه برای جبران صفوف خود با مشکل مواجه باشد، مشکلات طرف اوکراینی به مراتب بدتر است. بر اساس برخی تخمین‌ها، واحدهای خط مقدم اوکراین با ۴۰ تا ۵۰ درصد ظرفیت (حداکثر ۶۰ درصد) فعالیت می‌کنند، در حالی که نیروهای روسی به ۸۰ تا ۹۰ درصد نزدیک‌تر هستند.

کل ستراتیژی دفاعی اوکراین نیز بر یک ستون واحد بنا شده است: پهپادها. این امر آن را ذاتاً شکننده می‌کند. اگر روسیه بتواند عملیات پهپادی اوکراین را سرکوب کند - به ویژه با برتری عددی خود - همه چیز می‌تواند از هم بپاشد.

ارتش روسیه انعطاف‌پذیری نشان داده است، چه در اجرای حملات فرسایشی و چه در سنگر گرفتن برای دفاع طولانی‌مدت. کارزار آودیوکا، که در فبروری به پایان رسید، لحن سال ۲۰۲۴ را تعیین کرد. روس‌ها با موفقیت از ترکیبی از حملات جناحین، کنترل آتش بر خطوط تدارکات و تاکتیک‌های محاصره برای فرسایش مدافعان استفاده کردند، که همه با پشتیبانی پهپادها، توپخانه و بمب‌های هدایت‌شونده انجام شد.

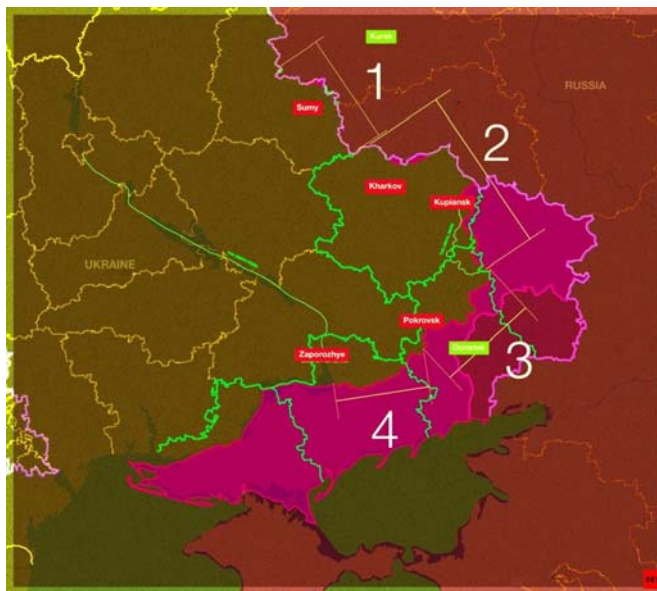
اوکراین نیز تاکتیک‌های دفاعی خود را تکامل بخشید، اما پیشروی روسیه در سودژا در اوایل سال ۲۰۲۵ پیشرفت‌های بیشتری را آشکار کرد. برای اولین بار در مدت طولانی، نیروهای روسی موفق شدند خطوط اوکراین را به طور کامل بشکنند و یک عقب‌نشینی آشفته از یک موقعیت به شدت مستحکم را تحمیل کنند.

گزارش‌ها حاکی از آن است که برتری روس‌ها در پهپادها محوری بوده است. آن‌ها تعداد بسیار زیادی پهپاد به کار گرفتند، خدمه‌های پهپادهای FPV اوکراینی را شناسایی و سرکوب کردند و راه را برای حمله هموار کردند. واحدهای پهپادی اوکراین در نهایت در کنار نیروهای در حال عقب‌نشینی در منطقه کورسک فرار کردند.

اگر روسیه بتواند این موفقیت را تکرار کند، سودژا ممکن است برای سال ۲۰۲۵ همان چیزی شود که آودیوکا برای سال ۲۰۲۴ بود - یک عملیات نمونه. و این می‌تواند برای اوکراین مشکل واقعی ایجاد کند.

با در نظر گرفتن همه جوانب، برای اولین بار از زمان آغاز درگیری، احتمال فروپاشی جزئی یا کامل خطوط مقدم اوکراین تا پایان سال از ۵۰ درصد فراتر می‌رود. همه چیز بستگی به این دارد که آیا روسیه می‌تواند به طور مداوم رخنه کند یا خیر.

فلش‌ها روی نقشه



حمله روسیه چگونه ممکن است به نظر برسد؟

می‌توانیم انتظار ادامه ستراتیژی سال گذشته را داشته باشیم: فشار در سراسر جبهه برای کشاندن نیروهای اوکراینی، جست و جو برای نقاط ضعف و بهره‌برداری از هرگونه شکاف. به طور کلی، جبهه را می‌توان از شمال به جنوب به چهار بخش تقسیم کرد:

سومی: با عقب رانده شدن نیروهای اوکراینی از منطقه کورسک، روسیه ممکن است تلاش کند تا تهاجم خود را در اینجا گسترش دهد. حداقل هدف، ایجاد یک منطقه حائل در امتداد مرز خواهد بود. همچنین شایعاتی مبنی بر پیشروی به سمت شهر سومی وجود دارد. در حالی که روسیه هیچ ادعای ارضی در این منطقه نداشته است، این منطقه به اندازه هر نقطه دیگر، یک نقطه فشار مفید است.

ولچانسک-کوپیانسک: این بخش از نظر جغرافیائی توسط رودخانه سیورسکی دونتس جدا شده است. اهداف روسیه ممکن است شامل پاکسازی ساحل شرقی رودخانه اسکول، بازپس‌گیری لیمان و محاصره کوپیانسک باشد. پیشروی عمیق‌تر به سمت خارکف از شمال از طریق ولچانسک نیز ممکن است.

دونتسک: این میدان نبرد اصلی در سال ۲۰۲۴ بود. محورهای تهاجمی کلیدی عبارتند از کنستانتینوکا و پوکروفسک. پوکروفسک با تدارکات قوی، تاکتیک‌های تثبیت شده جناحین و مناطق تجمع باقی مانده از عملیات‌های قبلی، امیدوارکننده‌تر به نظر می‌رسد. کنستانتینوکا تا حدی محاصره شده است، اما دسترسی شمالی به دلیل کانال سیورسکی دونتس-دونباس، که مانع از خطوط تدارکات می‌شود، پیچیده است.

جبهه جنوبی: در ماه مارچ، پس از فروکش کردن نبردهای زمستانی، درگیری‌ها در نزدیکی رودخانه دنیپر شعله‌ور شد. این ممکن است تلاشی برای تأمین سرپل‌هائی در آماده‌سازی برای حمله به سمت زاپوریژیا بوده باشد – یک شهر کلیدی که روسیه رسماً آن را پایتخت منطقه زاپوریژیا می‌داند. این شهر تنها ۳۰ کیلومتر با خط مقدم فاصله دارد و اوکراین آن را در پائیز گذشته به شدت مستحکم کرد.

اگر من در حال برنامه‌ریزی این کارزار بودم، در تمام جهات دست به فریب می‌زدم – اوکراین را مجبور می‌کردم تا ذخایر اندک خود را پخش کند و تمرکز پهبادهای و پرسنل در مناطق کلیدی را دشوارتر سازد. هدف روسیه احتمالاً یک پیشروی سریع و قاطع خواهد بود. اما مثل همیشه، موفقیت چنین عملیاتی به غافلگیری بستگی دارد. اگر بتوانیم جهت حمله را حدس بزنیم، در آن صورت ستاد کل روسیه شکست خورده است.

در عین حال، نباید اوکراین را دست کم گرفت. در حالی که یک ضدحمله ستراتیژیک ممکن است دور از دسترس باشد، یک مانور غافلگیرانه – مانند نفوذ قبلی به کورسک – را نمی‌توان منتفی دانست. نشان دادن اهمیت نظامی به حامیان غربی اکنون برای اوکراین به اندازه حفظ خط مقدم مهم است.

۱۸ اپریل ۲۰۲۵